

ادله حرمت اعانه بر اثم:

❖ دلیل اول) حکم عقل

حضرت امام در بیان این مطلب می نویسد:

«التمسک بحکم العقل بقبح إعانة الغير على المعصية أحدها: حکم العقل بقبح إعانة الغير على معصية المولى و إتيان مبغوضه، فکما أن إتيان المنکر قبيح عقلا، و کذا الأمر به و الإغراء نحوه قبيح، كذلك تهيئة أسبابه و الإعانة على فاعله قبيح عقلا موجب لاستحقاق العقوبة. و لهذا كانت القوانين العرفية متكفلة لجعل الجزاء على معین الجرم و إن لم يكن شريكاً في أصله. فلو أعان أحد السارق على سرقة و هيأ أسبابه و ساعده في مقدماته، يكون مجرماً في نظر العقل و العقلاء و في القوانين الجزائية.

و قد ورد نظيره في الشرع فيما لو أمسك أحد شخصاً و قتله الآخر و كان ثالث نظر لهما، أن على القاتل القود، و على الممسك الحبس حتى يموت، و على الناظر أو الربيثة تسميل عينيه. و لا منافاة بين ذلك و بين ما حررناه في الأصول من عدم حرمة مقدمات الحرام مطلقاً، لأن ما ذكرناه في ذلك المقام هو إنكار الملازمة بين حرمة الشيء و حرمة مقدماته، و ما أثبتناه هنا إدراك العقل قبح العون على المعصية و الإثم لا لحرمة المقدمات، بل لاستقلال العقل على قبح الإعانة على ذی المقدمات الحرام و إن لم تكن مقدماته حراماً.

و هذا عنوان لا يصدق على إتيان الفاعل المقدمات، و لهذا لا يكون المجرم في إتيان مقدماته مجرماً بل يكون مجرماً في إتيان نفس الجرم. نعم لو أتى بالمقدمات و لم يوفق بإتيان الحرام كان متجرباً. و بالجملة يرى العقل فرقا بين الآتي بالجرم بمقدماته و بين المساعد له في الجرم و لو بتهيئة أسبابه و مقدماته، فلا يكون الأول مجرماً في إتيان المقدمات زائداً عن إتيان الجرم، و أما الثاني فيكون مجرماً في تهيئة المقدمات، فيكون في نظر العقل المساعد له كالشريك له في الجرم و إن تفاوتتا في القبح.»^۱

توضیح:

۱. عقل حاکم است به اینکه همانطور که اتيان منکر قبيح است، امر به آن و بعث به آن نیز قبيح است و تهيئه اسباب آن و اعانه به فاعل آن هم عقلاً قبيح است و موجب استحقاق عقاب است.
۲. شاهد این مطلب هم آنکه قوانین عرفی برای کمک کننده به جرم، جزا قرار داده است (هرچند در اصل عمل شریک نباشد) مثل کمک کننده به سارق.
۳. مثال شرعی: اگر کسی فردی را بگیرد و دومی بکشد و سومی (نظر لهما: کوشید در کار آن دو) کمک کرد، قاتل را قصاص می کنند (قود = قصاص)، نگهدارنده را زندانی مادام العمر می کنند و معین و دیده بان (ربيثه) را کور می کنند (سمل = چشم را از حدقه در آورد).
۴. إن قلت: در علم اصول گفته اید که مقدمه حرام، حرام نیست مطلقاً.
۵. قلت: در آنجا می گوئیم ملازمه ای بین حرمت شيء و حرمت مقدماتش نیست ولی اینجا می گوئیم عقل

۱. المكاسب المحرمة للإمام الخميني؛ ج ۱، ص: ۱۹۴





مستقل است بر اینکه اعانه بر معصیت قبیح است پس حرمت اعانه از طریق ملازمه عقلی ثابت نشده است بلکه به سبب حکم اولیه عقل است (به عبارت دیگر حتی اگر مقدمه حرام، حرام نباشد، اعانه حرام است) ۶. [إن قلت: فاعل مقدمه حرام، معین بر حرام است، پس هر مقدمه حرامی به سبب آنکه اعانه بر اثم است، حرام است.]

۷. [قلت:] به هر فاعل مقدمه حرام، معین بر حرام گفته نمی شود و لذا کسی که حرام و مقدمه را با هم انجام داده است، نسبت به اتیان مجرم نیست بلکه در اتیان نفس جرم، مجرم است (البته اگر مقدمه را انجام داد و موفق به اتیان حرام نشد، تجری کرده است).

۸. به عبارت دیگر عقل بین کسیکه جرم و مقدمات آن را با هم اتیان می کند با کسیکه به انجام جرم کمک می کند، فرق گذاشته است، اولی نسبت به مقدمات مجرم نیست ولی دومی به سبب تهیه مقدمات، مجرم است و شریک در جرم است (اگرچه میزان قبیح فاعل جرم و فاعل مقدمه فرق می کند).

ما می گوئیم:

۱) روایت مربوط به سه نفر عبارت است از:

«وَعَنْهُ [عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ] عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنْ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ رَفَعُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع - وَاحِدٌ مِنْهُمْ أَمْسَكَ رَجُلًا - وَأَقْبَلَ الْآخَرَ فَقَتَلَهُ وَالْآخَرَ يَرَاهُمْ - فَقَضَى فِي [صَاحِبِ] الرُّؤْيَةِ أَنْ تُسْمَلَ عَيْنَاهُ - وَفِي الَّذِي أَمْسَكَ أَنْ يُسَجَّنَ حَتَّى يَمُوتَ كَمَا أَمْسَكَهُ وَقَضَى فِي الَّذِي قَتَلَ أَنْ يُقْتَلَ.»^۱

۲) با توجه به آنچه در روایت آوردیم ظاهراً «تسمیل» که در عبارت امام آمده است صحیح نیست چراکه در آوردن چشم به معنای «سمل» و ثلاثی مجرد است و تسهیل به معنای آب کشیدن از حوض است. همچنین تعبیر «الرئیثه» در عبارت امام به سبب نسخه بدل روایت است. این معنی (دیده بان) تناسب بیشتری با حکم دارد.

۳) در رابطه با فرمایش امام باید گفت:

حضرت امام می فرمایند: ما مقدمه حرام را حرام نمی دانیم ولی اعانه بر اثم را حرام می دانیم البته برخی از «مقدمات» اعانه هم هست ولی در مواردی (در مورد فعل خود شخص) عرفاً اعانه نیست.

در این مورد می توان گفت:

اگر حکم عقل روی عنوان اعانه رفته است به سبب ملاک خاص است یعنی اگر عقل اعانه بر اثم را قبیح می داند به سبب آن است که اعانه بر اثم، چیزی مثل «ما یتوقف علی الاثم» است و لذا حتی اگر عوان اعانه بر «فعل مقدمات نسبت به فعل شخص خودش» صدق نکند ولی ملاک حکم عقل در آن موجود است (چنانکه امام در ادامه به نوعی دیگر مطرح می کنند)

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۲۹، ص: ۵۰



اللهم الا أن يقال:

حکم عقل به قبح وقتی ملازمه با حرمت دارد که تشریع حرمت مانعی مثل لغویت نباشد. و در «مقدمه فعل نسبت به شخص خودش» وقتی اصل فعل حرام است تشریع حرمت نسبت به مقدمات، مانعیت جدیدی ندارد الا اینکه بگوییم تعدد عقاب نسبت به مقدمه و ذی المقدمه، مانعیت مضاعف ایجاد می کند.

حضرت امام سپس ادامه می دهند که در تهیه مقدمات فعل غیر، فرقی بین اقسام متعدد نیست:

«و الظاهر عدم الفرق فی القبح بین ما إذا كان تهيئة المقدمات بداعي توصل الغير إلى الجرم و غيره، فإذا علم بأن السارق يريد السرقة و يريد ابتیاع السلم لذلك، يكون تسليم السلم إليه قبيحا و إن لم يكن التسليم لذلك، و إن كان الأول أقبیح. كما لا فرق فی نظر العقل بین الإرادة الفعلية و العلم بتجددها، سيما إذا كان التسليم موجبا لتجددها. كما لا فرق بین وجود بائع آخر و عدمه، و إن تفاوتت الموارد فی القبح لكنها مشتركة فی أصله.»^۱

توضیح:

۱. اینکه انگیزه بائع (شخص)، توصل مشتری (غیر) به حرام باشد یا چنین انگیزه ای نباشد، فرقی در قبح ایجاد نمی کند، هر چند در صورتی که انگیزه داشته باشد، قبح بیشتری در میان است.
۲. هم چنین فرقی نیست که بائع بداند، مشتری بالفعل اراده دارد یا بعدها اراده حرام پیدا می کند. (به خصوص اگر تسلیم مبیع موجب پیدایش انگیزه حرام در مشتری شود)
۳. هم چنین فرقی نیست که کسی دیگر باشد که مقدمات را فراهم کند یا نباشد.

ایشان سپس می نویسند:

«ثم إن حکم العقل بالقبح فی تلك الموارد ثابت و لو لم يصدق علی بعضها عنوان الإعانة علی الإثم و التعاون و نحوهما، فإن العقل يدرك قبح تهيئة مقدمات المعصية و الجرم، صدق علیها تلك العناوين أم لا. و لعل ما ورد فی الكتاب و الأخبار من النهی عن التعاون علی الإثم و العدوان، أو معونة الظالمین، أو لعن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی الخمر غارسها و حارسها و بائعها و مشتريها و حاملها و ساقیها، و کذا ما وردت من حرمة بیع المغنیات، و إجارة المساکن لبيع بعض المحرمات، کلها لذلك أو لئکتته.»^۲

توضیح:

۱. توجه شود که حکم عقل به قبح متوقف بر صدق عنوان اعانه نیست و لذا اگر هم در برخی موارد عنوان اعانه صدق نکند، عقل تهیه مقدمات معصیت را حرام می داند.

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۱۹۵

۲. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۱۹۵

۲. و شاید علت اینکه عنوان های مختلف در روایات نسبت به تهیه مقدمات مطرح شده است، اشاره به همین نکته باشد.



درس خارج فقه ائمه سید حسن خمینی